****

[بررسی حکم طواف مستحبی بعد از احرام حج و قبل از خروج به عرفات 1](#_Toc488671794)

[کلام محقق خوئی ره ذیل ادله 1](#_Toc488671795)

[نقد کلام محقق خوئی ره 2](#_Toc488671796)

[کلام آیت الله زنجانی 3](#_Toc488671797)

[نقد کلام آیت الله زنجانی 3](#_Toc488671798)

[نظریه مختار 4](#_Toc488671799)

[الوقوف بعرفات‌ 4](#_Toc488671800)

[جهت اول: ضروری دین بودن 4](#_Toc488671801)

[نظر مختار 4](#_Toc488671802)

[جهت دوم: لزوم قصد عنوان کردن 5](#_Toc488671803)

[جهت سوم: معنی وقوف 6](#_Toc488671804)

[نظر مختار 7](#_Toc488671805)

**موضوع**: احکام احرام /احرام /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## بررسی حکم طواف مستحبی بعد از احرام حج و قبل از خروج به عرفات

### کلام محقق خوئی ره ذیل ادله

محقق خوئی ظهور این دو روایت را پذیرفته ولی فرموده معتبره اسحاق می گوید لیس علیه شیء یعنی گناه نکرده و معلوم می شود نهی در آن دو صحیحه، نهی کراهتی است: وَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع عَنِ الرَّجُلِ- يُحْرِمُ بِالْحَجِّ مِنْ مَكَّةَ ثُمَّ يَرَى الْبَيْتَ خَالِياً- فَيَطُوفُ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ عَلَيْهِ شَيْ‌ءٌ فَقَالَ لَا.[[1]](#footnote-1)

موید آن نیز روایت عبد الحمید بن سعید است: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَحْرَمَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ مِنْ عِنْدِ الْمَقَامِ بِالْحَجِّ- ثُمَّ طَافَ بِالْبَيْتِ بَعْدَ إِحْرَامِهِ- وَ هُوَ لَا يَرَى أَنَّ ذَلِكَ لَا يَنْبَغِي- أَ يَنْقُضُ طَوَافُهُ بِالْبَيْتِ إِحْرَامَهُ- فَقَالَ لَا وَ لَكِنْ يَمْضِي عَلَى إِحْرَامِهِ.[[2]](#footnote-2)

ظاهر روایت نیز این است که طواف مندوب بعد از احرام به حج تمتع و قبل از خروج به عرفات، اشکالی ندارد، ولی سندش ضعیف به سبب وقوع عبد الحمید بن سعید در آن است.

اما معتبره اسحاق بن عمار در این جهت کافی است، و لکن طواف مستحبی مکروه به معنای اقل ثوابا است و اگر هم طواف کرد، نیازی به تجدید تلبیه ندارد، لعدم الدلیل علی ذلک.

#### نقد کلام محقق خوئی ره

در معتبره اسحاق معلوم نیست که سوال از استحباب یا عدم استحباب طواف بوده است، بلکه شاید سوال از این باشد که این طواف آیا اثر وضعی دارد یا نه؟ حضرت می فرماید لیس علیه شیء به این معنا که اثر وضعی ندارد، یعنی سبب ابطال احرام یا وجوب کفاره نمی شود، اما این که استحباب هم داشته باشد، از روایت استفاده نمی شود، اما دو روایت اول می گوید استحباب ندارد.

در روایت عبد الحمید بن سعید هم ارتکاز سائل بر عدم مشروعیت بوده است، چون گفته و هو لایری ان ذلک لاینبغی و ظاهر لاینبغی نیز حرمت است، امام علیه السلام هم فرموده این طواف، نقض احرام نمی کند، نه این که حرمت تشریعیه نداشته باشد.

سند روایت هم مشکلی ندارد، زیرا عبد الحمید بن سعید از مشایخ صفوان است که شیخ طوسی شهادت داده به این که صفوان از غیر ثقه نقل نمی کند.

### کلام آیت الله زنجانی

طواف مستحب نه تنها قبل از خروج به عرفات برای محرم به حج تمتع مشروع نیست، بلکه تا طواف نساء نکند، عدم مشروعیت باقی می ماند، بله، انجام طواف واجب از طرف خود یا دیگران مشکلی ندارد، اما طواف مستحب تا بعد از از طواف نساء مشروع نیست.

ما نمی دانیم مستند ایشان چیست، اما احتمال دارد که مستند ایشان، صحیحه یحیی الارزق باشد که خود این شخص نیز از مشایخ صفوان است: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَحْيَى الْأَزْرَقِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ ع الرَّجُلُ يَحُجُّ عَنِ الرَّجُلِ- يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَطُوفَ عَنْ أَقَارِبِهِ- فَقَالَ إِذَا قَضَى مَنَاسِكَ الْحَجِّ فَلْيَصْنَعْ مَا شَاءَ.[[3]](#footnote-3)

به این تقریب که مستفاد از مفهوم روایت این است که قبل از قضاء مناسک حج، انجام طواف مندوب مشروع نیست.

#### نقد کلام آیت الله زنجانی

این روایت در مورد حج نیابی است که در اثناء آن می خواهد طواف نیابی از طرف دیگران انجام دهد، ولی امام علیه السلام از آن نهی فرموده است و اطلاق آن طواف نیابی وجوبی را هم می گیرد و مختص به طواف استحبابی نیست.

اما این که ایشان فرموده قبل از طواف نساء نمی تواند طواف مستحبی انجام دهد، لازمه اش این خواهد بود که قبل از طواف نساء حج، می تواند اتیان به عمره مفرده کند، و لکن نمی تواند طواف مستحب بجا آورد.[[4]](#footnote-4)

### نظریه مختار

طواف مستحب قبل از خروج به عرفات مشروع نیست، اما دلیل بر ناقضیت آن نسبت به احرام هم نداریم، بلکه صحیحه عبد الحمید بن سعید حکم به صحت احرام او نموده است.

## الوقوف بعرفات‌

**الثاني من واجبات حج التمتع الوقوف بعرفات‌ بقصد القربة و المراد بالوقوف هو الحضور بعرفات من دون فرق بين أن يكون راكبا أو راجلا ساكنا أو متحركا**.[[5]](#footnote-5)

جهات بحث

### جهت اول: ضروری دین بودن

اصل وجوب وقوف به عرفات بین عامه و خاصه مسلم و از ضروریات است.

در مستند الشیعة می نویسد وجوب وقوف به عرفات، از ضروریات دین است و در مستند الناسک گفته اجماعا و ضرورة، و احتمال می دهیم که مرادشان همان ضروری دین باشد و ظاهرش این است که منکر وجوب وقوف به عرفات، منکر ضروری دین است.

#### نظر مختار

اما این که منکر آن را منکر ضروری دین بدانیم، مشکل است، بله، به این مقدار مسلم است که منکر ضروری فقه می باشد، لذا مرحوم امام فرموده اگر کسی اصل وجوب نماز را قبول کند، اما بگوید امروزه واجب نیست، منکر ضروری دین نیست، وجوب وقوف به عرفات هم که از وجوب نماز در زمان فعلی اشد نیست، پس نمی توان منکر آن را منکر ضروری دانست.

ضروری دین، امری است که اگر شخص مسلمانی که در فضای مبانی اسلامی قرار گرفته آن را تصور کند، تصدیقش خواهد کرد، اما وقوف به عرفات که چنین نیست.

اصل وجوب وقوف به عرفات هم که از قرآن استفاده نمی شود، آیه ثم افیضوا من حیث افاض الناس نیز به خودی خود، دلالت بر وجوب وقوف به عرفات ندارد، بله، در روایات چنین در تفسیر آیه آمده که قریش و پنج قبیله دیگر می گفتند ما اهل حرم هستیم و در حج، از حرم خارج نمی شویم، اما دیگران بایستی در عرفات هم وقوف کنند و بعد این آیه نازل شد، افاضه به معنای سرازیر شدن از بالا به پایین است، از مکه به سمت عرفات به بالا می رود و از عرفات به سمت مشعر، افاضه می کنند، یعنی سرازیر می شوند.

در مرسله ابن فضال آمده: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْوُقُوفُ بِالْمَشْعَرِ فَرِيضَةٌ وَ الْوُقُوفُ بِعَرَفَةَ سُنَّةٌ.[[6]](#footnote-6)

شیخ طوسی در تهذیب نیز فرموده وقوف به عرفات سنت است، چون نص صریحی از قرآن بر وجوب آن نداریم، اما وجوب وقوف به مشعر در قرآن تبیین شده است و لذا فریضه است.

### جهت دوم: لزوم قصد عنوان کردن

شکی نیست در این که وقوف به عرفات، عمل عبادی است و قصد قربت می خواهد، هم موافق با ارتکاز متشرعی است و هم مشمول آیه اتموا الحج و العمرة لله است.

قصد جزئیت هم در آن لازم است، زیرا جزء واجب ارتباطی قصدی است، و قوام مرکب های قصدی نیز به قصد جزئیت است، و گرنه خود به خود که جزء تکوینی حج نمی شود.

اما غیر از قصد قربت و قصد جزئیت، آیا قصد عنوان وقوف هم لازم است؟

مرحوم داماد فرموده قصد عنوان وقوف لازم نیست و صرفا قصد جزئیت کافی است، زیرا وقوف امر تکوینی است و نیازی به قصد ندارد، ما در بحث سعی نیز نظیر همین مطلب را از ایشان نقل کردیم و به ایشان نقض کردیم به فرضی که بعد از اتمام شوط سابع در مروه، وقتی تا درب خروجی به مسجد الحرام تا کوه صفا می آید، اگر فکر می کرد که رفتن از مروه تا مسجد الحرام هم جزء حج است و لذا در رجوع از مروه به طرف کوه صفا، قصد جزئیت برای حج کرده باشد، به او گفته نمی شود که هشت شوط سعی کرده است، زیرا قصد عنوان سعی نکرده است، و گرنه اگر سعی عنوان قصدی نباشد، باید گفته شود که این شخص هشت شوط سعی کرده است، ولو قصد سعی هم نکرده باشد.

همین بیان را در وقوف به عرفات می گوییم، وقوف که کمتر از سعی نیست و ظاهر این است که وقوف نیز عنوان قصدی است، مثلا اگر کسی قصد وقوف به عرفات نکند، ولی قصد قربت داشته باشد، و از طرف عرفات به مشعر برود، و عند الخروج از مکه، قصد حج داشته باشد، و از این باب که رفتن به عرفات مقدمه رفتن به مشعر است و فکر می کرد که مقدمه واجبات نیز جزء است، قصد جزئیت هم کرده باشد، بدون قصد اجمالی یا تفصیلی وقوف به عرفات، صدق نمی کند که وقوف به عرفات کرده است، قطعا این مقدار در ارتکاز متشرعی کافی نیست.

### جهت سوم: معنی وقوف

مشهور مراد از وقوف به عرفات را حضور در عرفات می دانند، ولو در حال مشی یا جلوس باشد، مهم این است که در عرفات باشد، محقق خوئی هم اصرار بر اثبات همین مطلب دارد که واقف به معنای قائم نیست، آن چه به معنای قائم است، واقف علی رجلیه است، و گرنه واقف به معنای کائن است.

البته نظریه مشهور صحیح است، اما کسانی مثل کاشف اللثام که وقوف را شرط می دانند، می­گویند اگر تمام زمان وقوف به عرفات در حال مشی باشد، شخص متحرک بوده و وقوف نکرده است، وقوف یعنی متوقف شود و کسی که فقط راه برود، توقف در عرفات نداشته و پیوسته متحرک بوده است، بله ایشان نمی گوید وقوف به معنای قیام است، اما می گوید کسی که پیوسته در حال مشی باشد، توقف به عرفات نداشته است.

#### نظر مختار

اما انصاف این است که متفاهم عرفی از لزوم وقوف به عرفات این است که از عرفات خارج نشود و در آن بماند، ولو در حال مشی باشد و بیش از این ظهور ندارد و ارتکاز متشرعه نیز بر همین است.

اما اگر کسی با ماشین از یک طرف عرفات داخل شده و بدون مکث از طرف دیگری خارج شود، بدون این که در عرفات بچرخد که صدق مکث در عرفات کند، یعنی عرفات را به عنوان ممرّ تلقی کند، مشکل خواهد شد و لذا احتیاط این است که در عرفات مکثی و لو کوتاه داشته باشد.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص312، أبواب استحباب اختیار الطواف قبل الحج...، باب10، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/312/خالیا) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص447، أبواب کراهة التطوع بالطواف بعد السعی...، بابیمضی، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/447/83) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج11، ص193، أبواب جواز طواف النائب عن نفسه...، باب21، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/11/193/فلیصنع) [↑](#footnote-ref-3)
4. البته این توجهی است به لازمه کلام ایشان، نه این که اشکالی بر ایشان باشد. [↑](#footnote-ref-4)
5. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 157‌](http://lib.eshia.ir/21006/1/155) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص552، أبواب وجوب الوقوف بالعرفات...، باب19، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/552/سنة) [↑](#footnote-ref-6)